

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 241-267  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.32904.1974

## **A Critique on the Correction of the Book “Ruh al-Arwah fi Sharh Asma 'al-Mulk al-Fatah”**

**Mohammad Mahdi Moallemy\***

**Seyed Ali Qasemzadeh\*\***

### **Abstract**

“*Ruh ol-Arwah fi Sharh Asma al-Mulk al-Fattah*” by Shahab al-Din Abu al-Qasim Ahmad ibn Mansour Sam'ani (487-534 AH) is the oldest independent work in Sharh Asma' Allah in Persian, which has had a direct impact on some literary and mystical works, including *Kashf ol-Asrar Meybodi*. The prose of this book is fluent, smooth, and at the same time poetic, and sometimes it has used melodic or eloquent prose to express mystical concepts. This book is full of literary, lexical, linguistic and mystical benefits. Najib Mayel Heravi first published this book based on five manuscripts in Elmi va Farhangi publications in 1368, which has been reprinted several times. Unfortunately, this correction is not without its flaws, and there are many bugs in it. The present paper has tried to carefully confront the printed text with the corrected copies and to show some of the main drawbacks of this correction, including inclusions, misreadings, corrections and non-observance of the principle of fidelity in correcting texts. The result of this research indicates that due

\* PhD Student of Persian Language and Literature, Mystical Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author), Mahdi.moallemy@yahoo.com

\*\* Professor of Persian Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, a.a.ghasemzade@hum.ikiu.ac.ir

Date received: 2021-12-18, Date of acceptance: 2022-04-26



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

to the numerous problems that have arisen in the text of the Spirit of the Souls, it is necessary to correct it again.

**Keywords:** Ruh al-Arwah, Sharh Asma al-Hosna, Text Correction, Book Review



## نقدی بر تصحیح کتاب روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتح

محمد مهدی معلمی\*

سیدعلی قاسم‌زاده\*\*

### چکیده

روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتح نوشته شهاب‌الدین ابوالقاسم احمدبن منصور سمعانی (۴۸۷-۵۳۴ق) کهن‌ترین اثر مستقل در شرح اسماء‌الله به زبان فارسی است که بر روی برخی از آثار ادبی و عرفانی از جمله کشف‌الاسرار میبیدی تاثیر مستقیم گذاشته است. نثر این کتاب روان، سلیس، و در عین حال شاعرانه است و گاه برای بیان مفاهیم عرفانی از نثری آهنگین یا مسجع بهره برده است. این کتاب مشحون است از فواید ادبی، لغوی، زبانی و حکایات عرفانی. نجیب مایل هروی برای نخستین‌بار در سال ۱۳۶۸ش این کتاب را براساس پنج نسخه خطی در انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رساند که تا کنون چندین بار تجدید چاپ شده است. متأسفانه این تصحیح خالی از ایراد نیست و اشکالات عدیده‌ای در آن راه یافته است. جستار حاضر کوشیده‌است متن چاپ‌شده را با نسخ مورد استفاده مصحح به دقت مقابله کند و بخشی از ایرادهای اساسی این تصحیح، اعم از جافتادگی‌ها، بدخوانی‌ها، تصحیف‌ها و رعایت‌نشدن اصل امانت‌داری در تصحیح متون، را نشان دهد. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که به سبب اشکالات متعددی که در متن روح‌الارواح راه یافته تصحیح مجدد آن ضروری است.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی - ادبیات عرفانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین  
(نویسنده مسئول)، Mahdi.moallemy@yahoo.com

\*\* استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، a.a.ghasemzade@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

**کلیدواژه‌ها:** روح‌الارواح، شرح اسماء‌الحسنی، نسخ خطی، تصحیح متون، نقد و بررسی کتاب.

## ۱. مقدمه

### ۱.۱ بیان مسأله

تصحیح متون کهن کاری بسیار ظریف و دقیق و فنی اختصاصی است که هدف عمده آن به دست دادن روایتی اصیل از متن، به دور از عناصر الحاقی است. بنابراین برای دستیابی به این مهم باید متن به دقت بازخوانی شود و ابهامات و متشابهات در سطوح واجی، واژگانی و صرفی و نحوی کمتر گردد و فهم متن با توضیحات لغوی و تذکر نکته‌های دستوری و رفع اشکالات محتوایی تسهیل شود (سمیعی ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۳). برای رسیدن به این مطلوب، مصحح باید علاوه بر داشتن تمام شروط علمی و توانایی در این فن، بر چند و چون پژوهش نیز آگاه باشد. نکته حائز اهمیت در تصحیح متن این است که صحت و سقم پژوهش‌های وابسته به متون کهن منوط به دقت و پیراستگی متون تصحیح‌شده است. این بدان معناست که اگر متنی به درستی تصحیح نشده باشد و در آن خطاهایی صورت گرفته باشد، ممکن است مسیر پژوهش‌های آینده را تغییر دهد و ارزش کارهای پژوهشی را پایین بیاورد. بنابراین مصحح متون ادبی باید با نهایت دقت و وسواس یکی از اصلی‌ترین ارکان تصحیح متن؛ یعنی اصل امانت‌داری را مراعات کند؛ چراکه «شرط بنیادی در تصحیح متون، متحلی بودن به حلیه امانت است» (مایل هروی ۱۳۷۹: ۴۱۳). «مصحح باید از تصرف، اگرچه این تصرف در حد یک نقطه و یا یک حرکت از حرکات واژگان باشد، احتراز کند» (همان). در ضمن «بر مصحح است که به هنگام استنساخ، جز در مواردی که خطای کاتب در آنها محرز است به هیچ عنوان از نسخه اساس عدول نکند و به ضبط دیگر نسخه‌ها نپردازد» (همان: ۴۳۱). نکته حائز اهمیت در تصحیح متون قدیم این است که «کلیه ضبط‌ها اعم از غلط و درست باید به نسخه چاپی منتقل شود. حتی کلمات بی‌نقطه و بانقطه‌های غلط و نابجا نیز باید عیناً در پایین صفحات متن یک چاپ انتقادی نقل شود» (صادقی ۱۳۸۴: ۲۰۷). اکنون با توجه به این مقدمه بر آنیم تا با مقابله دقیق نسخه‌های مورد استفاده نجیب مایل هروی در تصحیح روح‌الارواح به نقد و بررسی متن تصحیح‌شده این کتاب بپردازیم.

### ۲,۱ پیشینه پژوهش

نخستین بار محمدتقی دانش‌پژوه با انتشار دو مقاله و معرفی هفت نسخه از روح‌الارواح به اهمیت این کتاب اشاره کرده است، سپس بدیع‌الزمان فروزانفر در شرح مثنوی شریف جلد سوم صفحات ۹۱۵ تا ۹۱۷ اهمیت این کتاب را یادآور شده است. سرانجام نجیب مایل هروی برای نخستین بار در سال ۱۳۶۸ش این کتاب را براساس پنج نسخه خطی در انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رساند که تا امروز چندین بار تجدید چاپ شده است. تاکنون تعدادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا درباره سبک نثر، داستان‌ها و شرح اسمای الهی در این کتاب نوشته شده است. مقالات متعددی نیز راجع به این کتاب و فواید ادبی و بلاغی آن نشر یافته است، اما هیچ‌یک از آنها به نقد و بررسی تصحیح این کتاب نپرداخته‌اند و مقاله حاضر نخستین پژوهشی است که به بررسی چگونگی تصحیح این اثر و بیان ایرادات آن پرداخته است.

### ۳,۱ روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی است؛ یعنی در ابتدا متن تصحیح‌شده روح‌الارواح را با نسخه‌های مورد استفاده مصحح مقابله کرده و بعد از سنجش و ارزیابی اختلاف‌ها موارد انحراف مصحح را از متن اصلی یادآور شده‌ایم. همچنین در مواردی که کاتبان نسخ دچار اشتباه شده بودند و متن را دچار تصحیف و تحریف کرده بودند پس از تجزیه و تحلیل، با ذکر دلیل و شواهدی از متون مختلف، صورت صحیح را به دست داده‌ایم.

### ۲. بحث اصلی

روح‌الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح تألیف شهاب‌الدین احمد بن منصور سمعانی، یکی از شاهکارهای کهن ادبیات عرفانی فارسی است که برای نخستین بار به همت مصحح نام‌آشنا، نجیب مایل هروی، در سال ۱۳۶۸ در انتشارات علمی و فرهنگی عرضه شد. مصحح، این اثر را بر اساس نسخه‌های زیر تصحیح کرده است:

۱. نسخه کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی:

اگرچه این نسخه فاقد تاریخ کتابت است، مصحح پس از سنجش این نسخه با سایر نسخ،

به لحاظ ضبط درست و واضح واژه‌ها و عبارات و چگونگی رسم‌الخط و نشانه‌هایی که به جهت تمایز حروف مشابه از سوی کاتب رعایت شده و نیز به خاطر وجود علائم نسخه‌نویسی در میان کاتبان پیش از هفتصد هجری (سمعانی ۱۳۸۹: نود و نه)

این نسخه را کهن‌ترین و درست‌ترین نسخه این کتاب دانسته و آن را نسخه اساس چاپ خود قرار داده است. مایل هر وی با توجه به شیوه کتابت و نشانه‌گذاری‌های رعایت شده در آن، معتقد است که «گویا کاتب نسخه، از نسخه‌نویسان اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم هجری بوده و جز در چند مورد، دچار اشتباه‌نویسی و بدنویسی نشده است» (همان). مصحح اختلاف این نسخه را با متن چاپی با علامت اختصاری «مر» مشخص کرده است.

۲. نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی:

نسخه مزبور دومین نسخه کامل و معتبر روح‌الارواح است که به شماره خصوصی (۱۶۵) ادعیه و شماره عمومی (۳۱۵۲) در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این نسخه در سال ۷۴۰ هجری استنساخ شده است. مصحح این نسخه را یکی از معتبرترین نسخ موجود از روح‌الارواح دانسته و احتمال داده است که کاتب آن از دانایان و به احتمال قریب به یقین از خانقاهیان سده هشتم و نهم بوده باشد (همان: صد و دو). اختلافات این نسخه با متن چاپ شده با رمز «آ» در بخش اختلاف نسخه‌ها مشخص شده است.

۳. نسخه موزه کابل: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این نسخه که علاوه بر کهن بودن از جمله نسخ کامل روح‌الارواح است در جمادی‌الاول سال ۷۱۸ هجری به دست طیب (طیب یا حبیب) بن احمد بن حسن بن محمد بن احمد بن محمد بن عطا الله در خطه ناگور هندوستان استنساخ شده است. مصحح درباره این نسخه نوشته است: «این نسخه از نظر رسم‌الخط و نیز به لحاظ اعراب‌گذاری عبارات عربی و مشکول نمودن پاره‌ای از واژه‌های فارسی بسیار شبیه به نسخه کتابخانه آقای مرعشی می‌نماید» (همان: صد و یازده). اختلافات این نسخه با متن چاپی با رمز «کب» مشخص شده است.

۴. نسخه کتابخانه توبینگن:

نسخه مورد نظر به خط نسخ کهن متمایل به شکسته در روز پنج‌شنبه چهارم شعبان ۷۳۵ هجری کتابت شده است و با دیگر دست‌نوشته‌های اصیل و معتبر روح‌الارواح فرق‌های بارز و فاحش دارد. علامت این نسخه در بخش اختلاف نسخه‌ها «تو» است.

۵. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی:

این نسخه که در سال ۸۵۶ هجری به قلم نسخ جلی بسیار خوش کتابت شده است با شماره (۲۷۳۹) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. مصحح درباره آن گفته است: «این نسخه از نظر نسخه‌شناسی و قراین مربوط به رسم‌الخط، بسیار شبیه به نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی است و احتمال دارد که از روی همان نسخه استنساخ شده باشد» (همان: صد و پانزده). رمز این نسخه در بخش اختلاف نسخه‌ها «میج» است.

## ۱,۲ چگونگی تصحیح متن روح‌الارواح

مایل هروی در چگونگی تصحیح روح‌الارواح نوشته است:

نسخه کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی را... به‌طور نسبی اساس قرار دادم، و نسخه‌های موزه کابل و کتابخانه رضوی را نیز همسنگ آن نسخه دیدم و جای‌جای آن نسخه اساس افتادگی داشت و یا ضبط نسخه‌های کابل و رضوی دقیق‌تر و درست‌تر می‌نمود، ضبط این نسخه‌ها را به متن بردم و ضبط نسخه اساس را در بخش اختلاف نسخه‌ها قرار دادم. هم در چند مورد معدود همین شیوه را با توجه به اعتبار نسخه‌های توبینگن و مجلس مرعی دانستم (همان: صد و هفده).

منظور ایشان از شیوه تصحیح روح‌الارواح، شیوه بینابین است که آن را در کتاب نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی این‌چنین توصیف کرده است:

نسخه مضبوط‌تر و معتبرتر را اساس قرار دهیم ولی نه اساس مطلق، بلکه اساس نسبی. یعنی هر جا که ضبط نسخه اساس مرجوح می‌نمود و ضبط‌های دیگر راجح، با ذکر دلیل ترجیح، و نیز با توجه به مؤیداتی که ضبط نسخه‌های دیگر را مسلم‌الرجحان می‌دارد، ضبط مغلوط نسخه اساس را از متن بیرون کنیم و جای آن را با ضبط معتبر نسخه‌های دیگر کمال بخشیم... این شیوه نقد و تصحیح متون، هر چند که از یک‌سو دشواری‌های تصحیح بر مبنای نسخه اساس را دارد، و از دیگر سو ناهمواری‌های ناشی

از تصحیح التقاطی راه، ولیکن در تصحیح نگارش‌های فارسی شیوه‌ای است مطلوب و مقبول و مجرب؛ زیرا آثاری که به این شیوه تصحیح شده‌اند به قیاس با آثاری که به شیوه التقاطی و یا بر مبنای نسخه اساس تصحیح شده‌اند پخته‌تر و استوارتر می‌نمایند (مایل هروی ۱۳۷۹: ۴۳۷-۴۳۸).

اکنون سؤال اینجاست که آیا مایل هروی در مقام عمل، از پس آنچه خود درباره این شیوه تصحیح گفته برآمده است یا خیر؟ آیا در تصحیح روح‌الارواح تمام شرایط شیوه تصحیح بینابین - که مصحح در کتاب نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی به آنها اشاره کرده است - رعایت شده است یا خیر؟ برای پاسخگویی به سؤالات یادشده و ضرورت تصحیح دوباره متن روح‌الارواح بازخوانی خطاهای موجود در متن رهگشا خواهد بود:

## ۲،۲ نادیده گرفتن نسخه اساس

- **متن چاپی:** «بدان که معنی «هو» او بُود، و در میان عوام تا «هو» را با «الله» تعریف نکردی، بر مراد گوینده واقف نگردد.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۲) ضبط متن بر اساس نسخه کابل است. در نسخه خطی کتابخانه مرعشی نجفی این جمله بدین صورت آمده است:

**نسخه اساس:** «معنی «هو» او بُود، و در میان عوام تا «هو» را به «الله» تعریف نکنی، بر مراد گوینده واقف نگردد.» (سمعانی، بی تا: 1b). مصحح کتاب در بخش اختلاف نسخه‌ها متذکر شده‌اند که در نسخه مجلس «به الله» بوده است. شایان ذکر است که نسخه آستان قدس نیز «به الله» است (سمعانی ۱۳۸۹: 1b) که مصحح به آن بی توجه بوده است. ایشان همچنین اختلاف بعدی را چنین ذکر کرده است: «آ، مج: تعریف نکنی... واقف نگردد.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۳) با توجه به اینکه ضبط سه نسخه اساس (مرعشی)، آستان قدس و مجلس ضبطی واحد و معنادار است هیچ معلوم نیست که چرا مصحح کتاب ضبط نسخه خطی کابل را بر آنها ترجیح داده است. باید اضافه کرد که نسخه توبینگن این قسمت از متن را ندارد.

- **متن چاپی:** «آورده‌اند که آن عزیزی در راهی می‌رفت، درویشی پیش آمد، گفت: از کجا می‌آیی؟» (سمعانی ۱۳۸۹: ۲).



در نسخه نجفی مرعشی پیشش آمده است (سمعانی بی‌تا: 1b) مایل هروری در بخش اختلاف نسخه‌ها یادآور شده است که در نسخه آستان قدس و مجلس پیشش بوده است. معلوم نیست چرا مصحح از آوردن ضبط نسخه آستان قدس در متن عدول کرده و ضبط نسخه کابل را بر سه نسخه دیگر ترجیح داده است. لازم به ذکر است که بسیاری از اختلاف نسخه‌ها در این بخش با متن نسخه‌ها مطابقت ندارد و به تعبیری «من عندی» است؛ مثلاً در عبارت فوق، ضبط نسخه‌های کابل، آستان قدس و مجلس «در راهی می‌آمد» است و مصحح ضبط نسخه آستان قدس را به اشتباه «می‌آید» ذکر کرده، و به اختلاف نسخه‌های کابل و مجلس با متن اشاره نکرده است.

- **متن چاپی:** «دست غوغای عشق خرمن صبرش را بر باد داد، طاقتش طاق گشت، ماه اصطبارش در محاق شد، پس آنکه آن درویش همت در بست تا مقصود خویش از پیش برگرفت.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۲-۳)

**نسخه اساس:** «[دست] غوغای عشق خرمن صبرش به باد برداد، طاقتش طاق شد، ماه اصطبارش در محاق [شد]، پس آنگاه آن درویش همت در بست تا مقصود خویش را از پیش برگرفت.» (سمعانی بی‌تا: 1b)

کلمات داخل قلاب از سایر نسخه‌ها نقل شد؛ زیرا به سبب پارگی نسخه اساس این کلمات از متن ساقط شده است.

در اختلاف نسخه‌ها آمده است که در نسخه مرعشی به جای «بر باد داد»، «به باد داد» آمده است؛ حال آنکه در نسخه مرعشی «به باد برداد» است. باید به این نکته نیز توجه کرد که متن چاپ شده مطابق با هیچ کدام از نسخه‌های خطی نیست و اختلاف‌هایی با هر کدام دارد. مثلاً در نسخه کابل به جای «همت در بست»، «همت داشت» آمده است. در نسخه‌های مجلس و آستان قدس نیز به جای «تا مقصود خویش از پیش برگرفت»، «تا مقصود را از پیش برگرفت» آمده است و مصحح به این اختلاف‌ها اشاره نکرده است.

دلیل اینکه در مقاله حاضر بارها تأکید کردیم که اختلاف نسخه‌ها به درستی بیان نشده، این است که به اعتقاد برخی از پژوهشگران «بی‌ارزش‌ترین نسخه‌بدل‌ها گاهی اوقات مشکلاتی را حل می‌کند که تصور آن نیز برای مصححان دشوار است». برای آگاهی بیشتر بنگرید به: (صادقی، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

- **متن چاپی:** «و هم ایشان گفته‌اند: اول کاری که بر تو حمله آورد، بنگر تا دلت را قبله چیست؟ خلق است یا حق. آنچه قبله دل توست در اول صولت و صدمت کار معبود توست، زیرا که مقصود و مشهود تست.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۳)

**نسخه اساس:** «و هم گفته ایشان است که چون کاری بر تو حمله آرد، بنگر که دلت را قبله چیست؟ خلق است یا حق. آنچه قبله دل توست در اول صولت و صدمت آن کار معبود توست، زیرا که مقصود و مشهود تست.» (سمعانی بی تا: 1b) در سه نسخه آستان قدس، کابل و مجلس نیز «حمله آرد» آمده است و معلوم نیست این اختلاف چطور به متن راه پیدا کرده است.

- **متن چاپی:** «اما هو کلمه‌ای است که زفان و لب را - که وکیل و دروان دل‌اند - با او کار نیست، از سر زفان برنیاید، از میان جان و قعر دل و صمیم سینه برآید.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۳)

**نسخه اساس:** «اما هو کلمه‌ای است که زبان و لب را - که وکیل و دلران (?) دل‌اند - با او کار نیست، از سر زبان برنیاید، از میان جان و صمیم سینه برآید و از قعر دل مترقی گردد.» (سمعانی بی تا: 2a). در بخش اختلاف نسخه‌ها شماره ۱۴ آمده است که «میج، آ: زفان را» (سمعانی ۱۳۸۹: ۳) در حالی که ضبط هر دو نسخه مذکور مطابق متن چاپ شده، یعنی «زفان و لب را» است. (سمعانی ۸۴۰ق: 2a؛ سمعانی ۸۵۶ق: 2a). در شماره ۱۵ نیز آمده است: «آ، کب: وکیل و در آن دل‌اند»، در حالی که در آن دو نسخه «وکیل دران دل‌اند» آمده است.

- **متن چاپی:** «هو باید که از قعر دل مترقی گردد به نفس پاک، از نفس پاک، از دل پاک، از سر پاک، از ضمیر پاک، از باطن پاک کرده قصد درگاه پاک کند، گذران و روان و بران، چون برق خاطف و ریج عاصف، نه چیزی به او درآویخته، نه او به چیزی درآویخته.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۳).

**نسخه اساس:** «هو باید که از قعر دل برآید به نفس پاک، از نفس پاک، از دل پاک، از سر پاک، از ضمیر پاک، از باطن پاک قصد درگاه پاک کرده، گذران و بران، چون برق خاطف و ریج عاصف، نه چیزی با او درآویخته، نه او به چیزی درآویخته.» (سمعانی بی تا: 2a) مختصر اختلاف‌هایی هم بین نسخه‌ها وجود دارد که از نگاه مصحح افتاده است.

- **متن چاپی:** «معنی «الله» به نزدیک اهل تحصیل و ارباب تحقیق آن است که مَنْ لَهُ الْإِلَهِيَّةُ وَالْإِلَهِيَّةُ هِيَ الْقُدْرَةُ عَلَى الْإِبْدَاعِ. اللهُ أَنْ اسْتِ كِه الْهَيْتِ او راسْت، و الْهَيْتِ قَدْرَتِ بَرِ آفْرِيدِنِ اسْتِ و پدید آوردن.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۴).

**نسخه اساس:** «معنی «الله» به نزدیک اهل تحصیل و ارباب تحقیق آن است که مَنْ لَهُ الْإِلَهِيَّةُ وَالْإِلَهِيَّةُ هِيَ الْقُدْرَةُ عَلَى الْإِبْدَاعِ. اللهُ أَنْ اسْتِ كِه الْهَيْتِ او راسْت، و الْهَيْتِ قَدْرَتِ بَرِ آفْرِيدِنِ اسْتِ و پدید آوردن.» (سمعانی، بی تا: 2a).

در اختلاف نسخه‌ها شماره ۱ آمده است «أ: و الإبداع» از آنجا که هیچ علامتی قبل یا بعد از آن نیامده، معلوم نیست آیا نسخه آستان قدس این کلمه را اضافه دارد یا این کلمه به جای «و الإبداع» آمده است. با بررسی نسخه آستان قدس مشخص می‌شود که اساساً چنین کلمه‌ای در عبارت عربی وجود ندارد. (سمعانی ۸۴۰: 2a) و تنها نسخه‌ای که این کلمه در آن وجود دارد نسخه اساس بوده است و مصحح به جای آنکه آن را در متن بیاورد و نبود این کلمه را در سایر نسخ گزارش دهد به اشتباه آن را به نسخه‌ای دیگر نسبت داده است. در ضمن در نسخه مجلس نیز همچون نسخه اساس به جای «الله»، «اله» آمده است.

- **متن چاپی:** «عرش رفیع با ذرّه حقیر در قدرت یکسان و در حکمت مثلان.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۴)

**نسخه اساس:** «عرش رفیع با ذرّه حقیر در قدرت یکسان و در حکمت مثلان و سیان.» (سمعانی، بی تا: 2a).

سیان جمع سی به معنی مثل و مانند است (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل مدخل «سی») بر کسی پوشیده نیست که دقت در ضبط چنین واژگانی چقدر می‌تواند در فرهنگ‌نویسی مفید باشد. نیز باید به این نکته توجه داشت که هرچه کتابت نسخه از زمان تالیف اثر دورتر باشد، احتمال دخل و تصرف کاتبان در آن بیشتر است و ممکن است بسیاری از واژگان کهنه یا ناآشنا را حذف یا ساده کرده باشند.

- **متن چاپی:** «ایجاد اول به تقاضای قدرت، اعدام میانه به تقاضای وحدانیت، اعادت به تقاضای حکمت.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۴)

ضبط نسخه مرعشی چنین است: «ایجاد اول به تقاضای قدرت، اعدام میانه به تقاضای وحدانیت، اعادت آخر به تقاضای حکمت.» (سمعانی، بی تا: 2a)

- **متن چاپی:** «و از اینجا گفت سَرِی سَقَطِی - قَدَسَ اللهُ رُوحَه - اَللّهُمَّ مَهْمَا عَذَّبْتَنِي بِشَيْءٍ فَلَا تُعَذِّبْنِي بِذَلِكَ الْحِجَابِ. بار خدایا به هر چه خواهی عذاب کن، اما به حجاب عذاب مکن که من طاقت عذاب حجاب ندارم.

به هر چیزی که بکشی زنده گردم به هجرانم مکش دیگر تو دانی»

(سمعانی ۱۳۸۹: ۵)

**نسخه اساس:** «و از اینجا گفت سَرِی سَقَطِی - رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ - اَللّهُمَّ مَهْمَا عَذَّبْتَنِي بِشَيْءٍ فَلَا تُعَذِّبْنِي بِذَلِكَ الْحِجَابِ. بار خدایا به هر چه خواهی عذاب کن، اما به حجاب عذاب مکن که من طاقت همه عذاب‌ها دارم اما طاقت عذاب حجاب ندارم.

به حق آن‌که مرا هیچ کس به جای تو نیست جفا مکن که مرا طاقت جفای تو نیست»

(سمعانی، بی تا: 2b)

علاوه بر اختلاف نسخه‌ها، بیتی که در متن چاپ‌شده آمده، در نسخه اساس وجود ندارد و به جای آن، بیت فوق آمده است. این بیت در حاشیه نسخه آستان قدس نیز آمده (سمعانی ۱۳۸۹: 3a) و مصحح کتاب برخلاف وعده خود در مقدمه راجع به اشعار حاشیه نسخه آستان قدس (که پس از این به آن اشاره خواهد شد)، در قسمت اختلاف نسخ اشاره‌ای به این بیت نکرده است.

- **متن چاپی:** «بِحَقِيقَتِ بَدَانِيْدِ كِه اِگَر اَوْ خِيْمَةُ وَصَالٍ وَ قُبَّةٌ قُرْبَ بَه دُوْرَخِ فَرَسْتَدِ دُوسْتَانِ بُوَسْتَانِ اَزَلِ كِه بِرِ اَوَاْزِ هَزَارُ دَسْتَانِ جَذْبَاتِ غِيْبِي مَسْتَلْدُ گِشْتِه‌اَنْدِ اَتَشِ دُوْرَخِ رَا تُوْتِيَايِ دِيْدَةُ خُوْدِ سَاْزَنْد.» (سمعانی، ۱۳۸۹: ۶)

**نسخه اساس:** «پس به قطع و تحقیق بدان که اگر او خیمه وصل و قبة قرب خود به دوزخ فرستد دوستان بوستان ازلی که بر آواز هزارستان جذبات غیبی مستلد گشته‌اند آتش دوزخ را توتیای دیده خود سازند.» (سمعانی بی تا: 2b).

- **متن چاپی:** «این لا إله شحنه‌ای است از نفی قهر که بر مرکب هیبت نشسته، در دست وی تیغی از غیرت ربّانی، تا هر کجا غیری است به تیغ غیرت سرش برگردد تا سلطان الا الله در چهار بالش ملك دل بنشیند و بر چاکران جوارح فرمان در دهد تا هر که سر بر خط فرمان نهد و کمر انقیاد بر میان بندد، طراز اعزاز بر کسوت راز او

کشند، و هر که سر از ربقه عبودیت بتابد، داغ خَسار بر رُخسارش کشند و قلاده لعن و طرد و ردّ از گردنش درآویزد.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۷)

**نسخه اساس:** «این لا إله شحنه‌ای است از نفی قهر که بر مرکب هیبت نشست، در دستِ وی تیغی از غیرتِ ربّانی، تا هر کجا غیری است به تیغ غیرت سرش برگیرد تا سلطانِ الإله در چهار بالشِ مُلکِ دل بنشیند و بر چاکران جوارح و اعضای خود فرمان براند تا هر که سر بر خطّ فرمان نهد و کمر انقیاد بر میان بندد، طراز اعزاز بر کسوت راز او کشند، و هر که سر از ربقه عبودیت بتابد، داغ خَسار بر رُخسار او کشند و کلاه طرد و ردّ بر سرش نهند و قلاده لعن و غلّ غلّ بر گردنش افکنند.» (سمعانی، بی تا: 3a)

- **متن چاپی:** «ای جوامرد هر منزلی که سلطان به آن منزل فرو خواهد آمدن، از پیش شرط بُود که فرآشی بیاید و آن منزل بروید و خس و خاشاک دور کند و چهار بالشِ سلطان بنهد تا چون سلطان در رسد، کار ساخته بُود و منزل پرداخته.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۷)

**نسخه اساس:** «ای جوانمرد هر منزلی که سلطانی فرو خواهد آمدن، از پیش شرط بُود که فرآشی بیاید و آن منزل را بروید و خاشاک بیندازد و چهاربالشِ سلطان بنهد تا چون سلطان بیاید، کار ساخته بُود و منزل پرداخته.» (سمعانی، بی تا: 3a)

- **متن چاپی:** «ای جوامرد! اگر نه غفلت و غیبت و قصور و نقصان حالت خاک و گِل بودی از کلمه الله دل‌ها را به حدیث رحمت بازنیاوردی، و لکن آدمی - الأ من شاء الله - جز به نصیب خود نجنبد. حدیث رحمت پیوند طلب تو بود نه پیوند جلال بر کمال حق.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۱)

**نسخه اساس:** «ای جوانمرد! اگر نه غفلت و غیبت و نقصان حالت خاک و گِل بودی و الا از کلمه الله دل‌ها را به حدیث رحمت بازنیاوردی، و لکن چون مرد طاقت کشش بار الله نداشت حدیث رحمت گفت تا حق او با حظّ تو آمیخته گردد تا مرد درین گریزد والا از آنجا که حق خداوندی و جلال الهی بود حدیث رحمت در میان چه می‌کرد، ولیکن آدمی - الأ من شاء الله - جز به نصیب خود نجنبد. حدیث رحمت پیوند طلب تو بود نه پیوند جلال بر کمال حق.» (سمعانی، بی تا: 3b-4a)

مصحح بدون توجه به نسخه اساس، این بخش از متن را براساس متاخرترین نسخه، یعنی نسخه ۲۷۳۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که تاریخ کتابت آن ۸۵۶ هجری است، آورده؛ عجیب آنکه در قسمت اختلاف نسخه‌ها بدون هیچ علامتی عبارت «ولیکن چون مرد طاقت کشش بار الله نداشت حدیث رحمت نگفت تا حق او با حظ تو آمیخته گردد تا مرد درین گریزد و الا از آنجا که حق خداوندی و جلال الهی بود حدیث رحمت در میان چه کرد» را آورده است و خواننده متوجه نمی‌شود که این جمله در نسخه آستان قدس اضافه بوده یا به جای جمله قبلی آمده است. با این حال بعد از مقایسه متن نسخه بدل با نسخه خطی متوجه اختلاف آنها با هم می‌شویم، چرا که در نسخه آستان قدس به جای «نگفت»، «بگفت» و به جای «کرد»، «می‌کرد» آمده است.

- **متن چاپی:** «غواص بلندهمت که با دریای محیط ستد و داد کرد و در معاوضه گوهر شب افروز به دست آورد، به دود چراغ مختصر کی تن در دهد.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۴)

**نسخه اساس:** «غواص بلندهمت که با دریای محیط به جان ستد و داد کند تا گوهر شب افروز در معاوضه به دست آورد، به شبِ شَبَرنگ مختصر کی تن در دهد.» (سمعانی بی تا: 4b) یادآور می‌شود در اینجا و تمام موارد پیشین مصحح اشاره‌ای به این اختلاف‌ها نکرده است.

- **متن چاپی:** «ای درویش آفتابی است که آن را آفتاب عنایت گویند که تا ابد از برج ازلیت تابد، بر سینه هر که برافتاد منبع بهاء و در بی بها و معدن سنا گشت. و طور سینای عشق نبود و موسی وار در میقات بی قراری نعره ارنی زد و از معشوق نازنین معانی جواب لن ترانی شنید، و کوه نفس خاک‌باش راهزن شورانگیز دگا دگا ببرد و در عدم آباد فقر فرورفت و از او نام و نشان بنماند.»

<u>سرمست اگر ز سودا بر هم زخم جهانی</u>	<u>عییم مکن که در سر سودای یار دارم</u>
<u>سیلاب هستی را، سر در وجود من ده</u>	<u>کز خاکدان هستی بر دل غبار دارم</u>
<u>موسی و طور عشقم در وادی تمنا</u>	<u>مجروح لن ترانی چون خود هزار دارم</u>

(سمعانی ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵)

نسخه اساسی: «ای جوانمرد آفتابی است که آن را آفتاب عنایت گویند که چون تابد از برج ازلت تابد، بر سینۀ هر که برافتاد منبع بهاء و درّ بی‌بها و معدن سنا و طور سینای عشق گشت. و موسی‌وار بر وی نعره‌ارنی زد و از معشوق نازنین جواب لن‌ترانی شنید، و کوه نفس خاک‌باش راهزن شورانگیز دگا دگا پیود.» (سمعانی، بی‌تا: 5a)

در بخش اختلاف نسخه‌ها مصحح اشاره می‌کند که نسخه ۲۷۳۹ مجلس شورای اسلامی «و در عدم‌آباد ... هزار دارم» را ندارد. خواننده کتاب با توجه به این نکته، مطمئن می‌شود که عبارت و ابیات مذکور در سایر نسخه‌ها آمده است و با توجه به اینکه سه بیت فوق از شاعر بلندآوازه ایرانی، یعنی سعدی شیرازی است (سعدی ۱۳۸۵: ۷۷۶)، بنابراین نسبت به نسخه اساسی کتاب - که مصحح آن را کهن‌ترین و درست‌ترین نسخه موجود و شناخته شده معرفی کرده‌اند و بر این باورند که «گویا کاتب نسخه، از نسخه‌نویسان اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم هجری بوده» (سمعانی ۱۳۸۹: نود و نه) - به شبهه می‌افتد و این سؤال برای او مطرح می‌شود که مگر ممکن است نسخه‌ای در اواخر قرن ششم هجری کتابت شود و شعر شاعری که در سده هفتم متولد شده در آن آمده باشد! این در حالی است که اساساً این ابیات در نسخه کتابخانه مرعشی نجفی نیامده است و مصحح، این بخش از متن روح‌الارواح را با نسخه‌ای که آن را نسخه اساسی چاپ خود معرفی کرده، مقابله هم نکرده‌اند. با بررسی دقیق‌تر نسخه آستان قدس رضوی می‌توان دریافت که این ابیات نه در متن، بلکه تنها در حاشیه آن نسخه آمده است. مایل هروی در معرفی نسخه آستان قدس رضوی درباره اشعار و حواشی بسیار زیاد این نسخه به طور مبسوط سخن گفته و روش خود را در آوردن یا نیاوردن آن ابیات در متن مصحح خود چنین توصیف کرده است:

باری، اندکی از ابیات مندرج در حواشی نسخه آستانه در متن دیگر نسخه‌ها آمده است، ولی پاره‌ای از ابیات مذکور در نسخه‌های دیگر نبود؛ چون کاتب، خود شاعری توانا بوده احتمالاً این ابیات را از بر داشته و هنگام کتابت با توجه به مسئولیت امانت‌داری، آنها را در متن وارد نکرده و در هامش نویسانیده است. نیز محتمل است که پس از کتابت متن، حین بازخوانی این ابیات را در حاشیه افزوده باشد. به هر حال، چون پاره‌ای از ابیات مضبوط در هامش نسخه آستانه در هیچ‌یک از نسخ دیگر نبود، آنها را در متن راه نداده‌ام و در قسمت اختلاف نسخ آورده‌ام، و فهرستی نیز از این‌گونه ابیات در فهرست‌ها داده‌ام، باشد که محققان را به کار آید. (سمعانی ۱۳۸۹: صد و پنج)

اما در اینجا به وضوح می‌بینیم که ایشان علاوه بر اینکه در جستجو و تأمل بر ابیات متن روح‌الارواح و حواشی نسخه آستان قدس دقت کافی نداشته‌اند، بر روشی که خود توصیف کرده‌اند نیز پایبند نبوده‌اند. همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که مصحح محترم روح‌الارواح برخلاف سخن خود همه ابیات مضبوط در قسمت اختلاف نسخ‌ها را نیاورده، بلکه تعدادی از آنها را در بخش اختلاف نسخ آورده است. برای پرهیز از اطاله کلام و نشان دادن مشت نمونه خروار، تنها ابیاتی - که در دو سه برگ نخستین نسخه آستان قدس وجود دارد و مایل هروی به کلی نسبت به آنها بی‌توجه بوده و در «فهرست نوادر ضبط‌های نسخه‌بدل‌ها» نیاورده است - ذکر می‌شود و از بدخوانی‌ها نیز صرف نظر می‌شود:

آن به که در این زمانه کم گیری دوست      با خلق جهان دوستی از دور نکوست  
آن کس که تو را محبت و تکیه بر اوست      تا چشم خرد باز کنی دشمنت اوست  
(سمعانی ۸۴ق: 1b)

در راه خدا نکته و طامات چه سود      اقرار زبان با دل پر لالت چه سود  
گیرم که رهی کعبه به سر پیمودی      جسمت به حرم، دل به خرابات چه سود  
(همان: 3a)

هر عذابی کان همی داند یکی      جمله در جنب فراق است اندکی  
(همان)

- متن چاپی: «گفت: ای پرستار آن آینه فراروی او دار تا به آن سر و روی او را رسد که با ما عشقبازی کند [و] تمنای وصال ماش بود؟» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۸)  
نسخه اساس: «گفت: ای پرستار آن آینه فراروی او دار تا با آن سر و روی او را رسد که با ما دعوی عشقبازی کند تا تمنای وصال ماش بود؟» (سمعانی، بی‌تا: 5b).  
عجیب آن است که در بخش اختلاف نسخه‌ها، شماره ۱۶ آمده است که نسخه مرعشی «تمنای وصال ماش بود» را ندارد.



## ۳,۲ انتخاب ضبط‌های بلامرجح

- متن چاپی: «همچنین چون سلطان عزت‌الاله به سینه‌ای نزول خواهد کرد، فرآش لا اله الا الله از پیش بیاید و ساحت سینه را به جاروب تجرید و تفرید برود و خس و خاشاک بشریت و آدمیت و شیطانت و انسانیت را نیست کند و آب رضا بزند و فرش وفا بگستراند و عود صفا بر مجمر رضا برسوزد و چهاربالش سعادت و تخت سیادت بنهد تا چون سلطان الا الله دررسد در مهد عهد بر سریر سرّ تکیه زند.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۷)

ضبط نسخه اساس «فرآش لا اله» است و «فرآش لا اله الا الله» ضبط نسخه‌های مجلس و آستان قدس است. با توجه به اینکه در نظم و نثر فارسی، عارفان عبارت «لا اله» را برای بیان مفاهیمی چون فنا و نفی نفس و صفات بشری به کار می‌برده‌اند و عبارت «الا الله» را برای اثبات پس از نفی، صورت صحیح همان ضبط نسخه اساس یعنی «فرآش لا اله» است، نه فرآش لا اله الا الله.

تابه جاروب لا نروبی راه نرسی در سراسر ای الا الله  
(سنایی: ۱۳۸۷: ۱۷۵)

در ره حق، ز «لا»ی کن جاروب هرچه جز هستی خدای، بروب  
(همان: ۲۱۴)

این عبارت در کشف الاسرار میبیدی به شکل صحیح البته با مختصر اختلافی آمده است.  
(میبیدی ۱۳۷۶: ۱۱۲/۶)

- متن چاپی: «پس پیران هزارساله را که مخمور شراب تقدیس بودند به استقبال اقبال این مرد تنهارو فرستاد و بفرمود که چون به شهر تکوین آید سجود شما که خلاصه اعمال و سرّ احوال است بر سر دولت او نثار کنید تا بدانید که جلال وجود ما را به جمال سجود شما حاجت نیست.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۹)

نسخه اساس: «پس پیران هفتصد هزارساله را که مخمور شراب تقدیس بودند به استقبال اقبال این مرد تنهارو فرستادند و بفرمودند که چون به شهر تکوین آید سجود شما

که خلاصه اعمال و سر احوال است بر سر دولت او نثار کنيد تا بدانيد که جلال وجود ما را به جمال سجود شما حاجت نيست.» (سمعانی بی تا: 6a)

در نسخه آستان قدس هم هفتصد هزار ساله آمده است و مصحح در اختلاف نسخه‌ها به آن اشاره کرده است. دليل بر صحت ضبط نسخه مرعشی و آستان قدس آن است که در همین کتاب و بسیاری از کتب عرفانی، عبادت ملایک و ابلیس هفتصد هزار ساله توصیف شده است، نه هزار ساله. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: (سمعانی ۱۳۸۹: ۲۳۵، ۲۶۷، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۵۷، ۶۳؛ میسلی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۶؛ ج ۳، ۵۷۰ و ۵۷۳؛ ج ۵، ۱۰۵؛ ج ۶، ۴۳۶؛ ج ۸، ۱۱۶؛ ج ۹، ۱۵۴ و ۲۱۶).

- **متن چاپی:** «خداوند - عزّ و جلّ - غفّار است و غافر است. و غفور و غفّار مبالغت راست. چنانکه غلام. و معنی غفّر، پوشیدن باشد، و عرب خود را مَغْفَر گویند، زیرا که سر بپوشند. و مغفرتِ خداوند - جلّ جلاله - مر بنده را بپوشد و ستر گناهان است و عفو ذنوب. و این ستر و عفو بفضلِ من الله است نه به بفضلِ من العبد» (سمعانی ۱۳۸۹: ۸۷)

علاوه بر اینکه در به کار بردن علائم سجاوندی بی دقتی شده است، عبارات فوق خالی از اشکال نیست. با توجه به فعل بپوشند فاعل جمله عرب می شود که سر خود را می پوشانند؛ اما چه ربطی به متن دارد. در اینجا سخن از «خود یا مغفر» است و نیاز به فعل مفرد دارد. با بررسی نسخ خطی درمی یابیم که «بپوشند» ضبط نسخه آستان قدس است. (سمعانی ۸۴۰: 25a). مصحح روح‌الارواح در بخش اختلاف نسخه‌ها با بی دقتی ضبط نسخه مجلس را «سر را پوشند» ذکر کرده است، حال آنکه ضبط آن نسخه «سر را بپوشد» است. (سمعانی ۸۵۶ق: 36a) بنابراین نهاد جمله مغفر است، نه عرب؛ اما مشکل متن فراتر از این است. در واقع مصحح کتاب نه به نسخه اساس خود توجه کرده و نه سایر نسخ را به دقت نقل کرده است. صورت صحیح و منقح عبارات فوق با توجه به نسخه اساس چنین است:

«خداوند - عزّ و جلّ - غفّار است و غافر است. و غفور و غفّار مبالغت راست؛ چنانکه غلام. و معنی غفّر، پوشیدن باشد، و عرب خود را مَغْفَر گویند، زیرا که سر بپوشد. و مغفرتِ خداوند - جلّ جلاله - مر بنده را ستر گناهان است و عفو ذنوب. و این ستر و عفو بفضلِ من الله است نه به بفعلِ من العبد» (سمعانی، بی تا: 26b)

در ضمن در هیچ‌یک از نسخ «پوشد و» وجود ندارد و معلوم نیست چطور به متن اضافه شده است. همچنین «بِفَضْلِ مِنَ الْعَبْدِ» در تمام نسخه‌ها «بِفِعْلِ مِنَ الْعَبْدِ» آمده است. در نسخه مجلس به جای «عفو» در هر دو مورد «غفر» آمده که مصحح به آن اختلاف اشاره نکرده است.

- متن چاپی:

أَجَارَتْنَا إِنْنا غَرِيبَانِ هَاهُنَا وَكُلُّ غَرِيبٍ لِلْغَرِيبِ نَصِيبٌ

(سمعانی ۱۳۸۹: ۹۱)

اگرچه ضبط «نصیب» در متن بی‌معنا نیست، صورت صحیح این کلمه در این بیت که از سروده‌های امرؤالقیس است (امرؤالقیس، ۲۰۰۸م: ۸۳) «نسیب» است. معنای مصراع دوم چنین است: هر غریبی خویشاوند غریب دیگر است. این مصراع به صورت صحیح، یک‌بار دیگر در متن روح‌الارواح آمده است (سمعانی ۱۳۸۹: ۶۰۰). این بیت در بسیاری از متون عرفانی ذکر شده است. مولانا مضمون این بیت را بدین صورت در مثنوی به نظم درآورده است:

بر امید او بیامد آن غریب کو غریبان را بُدی خویش و نسیب

(مولوی ۱۳۹۳: ۱۲۹۰/۳)

در ضمن یادآور می‌شود که ضبط نسخه‌های مجلس (سمعانی ۸۵۶ق: 38a) و آستان قدس (سمعانی ۸۴۰: 27a) نیز «نسیب» است و مصحح ضبط غلط نسخه مرعشی را در متن گنجانده است.

- متن چاپی: «آن قصب بلعجب در حله عروسان سر از زمین برآرد و روزگاری در

طراوت بدایت و حله حضرت و حلیه لطف حضرت بباشد، نسیم ریح که حیب روح است بر اطراف وی می‌بزد، شمال جمّاشی می‌کند، باد سحر که ندیم اهل صبوت است بر وی می‌جهد، تا آنگاه که به آخر سموم قهر از عالم غیبی و جلال تاختن آرد و آن حله سبز از برش برکشد و آن تاج زیبا از سرش بیندازد و به تیغ قهر از بیخش ببرند.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۹۷).

صورت صحیح این کلمه «نصیب» است. در متن نسخه اساس «نصیب» آمده و در حاشیه به حیب بدل شده است (سمعانی بی‌تا: 30a). ضبط نسخه ۲۷۳۹ مجلس شورای

اسلامی نیز «نصیب» است (سمعانی ۸۵۶ق: 41a) که مصحح کتاب آن را حتی در اختلاف نسخه‌ها ذکر نکرده است. در جای دیگری از روح‌الارواح این مضمون تکرار شده است: «این نسیم ریح که نصیب روح است از جگر شتربانی می‌آید که در ولایت شرع ما قدم می‌زند» (سمعانی ۱۳۸۹: ۵۶۳). در کتاب التوسل الی التوسل نیز مشابه این مضمون آمده است: «... و از آن نسیم الطاف که نسیم روح باشد نصیبی یابد.» (بهاء‌الدین بغدادی ۱۳۸۵: ۲۶۵). در اینجا ما برای جلوگیری از اطاله کلام از بیان اختلاف‌های بسیار متن با نسخه اساس پرهیز کردیم

- **متن چاپی:** «و هم حاتم را می‌آید که روزی به نزدیک قوم خود دررفت و گفت: اندیشه سفری در پیش است به چه قدر نفقه خواهی که بنهم تو را؟ گفت: به آن مقدار که حیات می‌نهم نفقه بنه.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۰۸).

صورت صحیح این کلمه «می‌نهی» است که به اتفاق در تمامی نسخ آمده است و معلوم نیست که چرا در چاپ مایل هروری به این شکل درآمده است. یادآور می‌شود که این ضبط را نمی‌توان در زمره اغلاط مطبعی دانست؛ زیرا در اختلاف نسخه‌ها آمده است که نسخه آستان قدس «می‌نهی» بوده و مصحح ضبط «می‌نهم» را برگزیده است. این حکایت در کتاب‌های مختلف نقل شده است و همه آنها ضبط «می‌نهی» را تأیید می‌کند: «آورده‌اند که خواجه حاتم - رحمه الله علیه - به غزو می‌رفت. زن را گفت نفقه چند می‌خواهی تا بمانم و بروم؟ زن گفت: همچند آنکه زندگانی بخواهی ماندن؛ که مرا نفقه بی‌زندگانی چه کار آید» (قلانسی نسفی ۱۳۸۵: ۱۶۶). سنایی غزنوی مشابه این داستان را البته با کمی اختلاف در حدیقه الحقیقه به نظم درآورده است (سنایی ۱۳۹۷: ۱۱۹). عطار نیشابوری نیز در تذکره‌الاولیاء این داستان را در شرح احوال حاتم اصم آورده است (عطار ۱۳۹۷: ۳۰۲/۱).

- **متن چاپی:** «مقهوران مَهْرَه مِهْر لَبِیکَ اللَّهُمَّ لَبِیکَ و محرومان سفر ارادت و محرومان عالم سعادت بر بساط انبساط سبحانی سبحانی،... دامن همّت و ذیل حالت از این دمن برکنده‌اند و لباس افلاس و گلیم تسلیم از دست پیر اخلاص در زاویه اختصاص پوشیده‌اند و در خرابات محو صفات و نفی آفات و محق فانیات از دست ساقی باقی بر مشاهده باقیات قدح فرح کشیده‌اند که الا بی‌افرحوا.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۳۱)

ضبط متن معنای محصلی ندارد. در اینجا سخن از سفر حج و طواف به میان آمده است. صورت صحیح متن با توجه به نسخه‌ی اساس، آستان قدس و مجلس چنین است: «مقهوران مَهْرَه مِهْر لَيْبِك اللّٰهُم لَيْبِك و مُحْرمان سفر ارادت و مُحْرمان عالم سعادت و متمکنان بر بساط انبساط سبحانی... که الا فَبِي افرحوا» (سمعانی، بی‌تا: 40b). این موارد را نمی‌توان از جمله اغلاط مطبعی به حساب آورد چرا که در بخش اختلاف نسخه‌ها آمده که ضبط نسخه‌ی آستان قدس «و محرمان سفر ارادت و محرمان عالم سعادت و همگنان» است. با دقت در نسخه‌ی آستانه متوجه می‌شویم که مایل هر وی «متمکنان» را به اشتباه «همگنان» خوانده است. عجیب آنکه ضبط نسخه‌ی مجلس نیز با ضبط نسخه‌ی اساس و آستان قدس برابر است و مصحح محترم کمتر توجهی به آن نکرده است.

- متن چاپی: «سری دیگر: مردی عیالی دارد و با وی در صحبت است، نداند که عیال خود را دوست می‌دارد؛ زیرا که آن محبت پوشنده صحبت است، باش تا طلاق دهد آنکه دوستی پدید آید. آدم دوست بود و دوستی وی پوشنده عطا بهشت بود؛ زیرا که نه هر کرا عطا دهند دوست بود؟» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۵۱)

در اینجا سخن از آن است که همصحبتی و نزدیکی و قرب مانع از درک درست دوستی و محبت است؛ اما ضبط متن چنین مفهومی را نمی‌رساند. صورت صحیح در هر دو مورد طبق نسخه‌های مرعشی (46b)، توینگن (55a)، آستان قدس (54a) و مجلس (66a) پوشیده است.

نزدیک به این مضمون را سعدی در گلستان آورده است: «صاحب‌دلی را گفتند: بدین خوبی که آفتاب است نشینده‌ایم که کس او را دوست گرفته است و عشق آورده. گفت: سبب آنکه هر روز توان دیدن مگر در زمستان که محجوب است و محبوب» (سعدی ۱۳۷۴: ۹۹).

- متن چاپی: «و بنای محبت بر جسم مراد حظوظ است هر که با محبت دست در کمر دارد دل از کل حظوظ اصلا و رأسا بردارد» (سمعانی ۱۳۸۹: ۴۶۵).

«جسم» تصحیف کلمه «حسم» به معنی بریدن، قطع کردن، گسستن، گسلیدن است. بنابراین مراد از عبارت مذکور این است که بنای محبت بر بریدن و دست برداشتن از مراد لذت‌های خویش است. دنباله عبارت این مفهوم را تأیید می‌کند. ضبط متن مطابق با صورت تصحیف‌شده نسخه‌ی مرعشی است و مصحح کتاب به ضبط مرجوح نسخه‌ی آستان

قدس یعنی حَسَم بی توجه بوده و در بخش اختلاف نسخه‌ها نیز به آن اشاره نکرده است (سمعانی ۸۴۰ق: 211a). این قسمت از متن از نسخه مجلس ساقط شده است.

## ۴,۲ تصحیف‌ها

- متن چاپی:

ما خود ز وجود خویش ننگ آمده‌ایم و اندر عالم بی سر و سنگ آمده‌ایم  
اندر **گیلان** گلیم بدبختی را ما از سیاهی به جای رنگ آمده‌ایم  
(سمعانی ۱۳۸۹: ۱۷)

در بیت دوم صورت صحیح «گیلان» است. «ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که در قدیم، در ناحیه گیلان، گلیم‌ها را از پشم و موی سیاه بز یا گوسفند می‌بافته‌اند و چون رنگ آنها طبیعی بوده، هرگز زایل نمی‌شده است.» (انوری ۱۳۸۳: ۱۳۶۵/۲).

دهخدا در *امثال و حکم* «رنگ گلیم ما به گیلان کردند» را به عنوان مَثَل آورده و این رباعی نجم‌الدین رازی را نیز شاهدهی برای آن ذکر کرده است:

آنها که مرا عزیز چون جان کردند دل را ز وصال ما پشیمان کردند  
بر ما ستم عشق نه ایشان کردند این رنگ گلیم ما به گیلان کردند  
(دهخدا ۱۳۷۷: ج ۲، ۸۷۴)

نجم‌الدین ابوالرجای قمی در کتاب خود در تیره‌روزی و گرفتاری اهل فضل آورده است: «رنگ گلیم فضلا به گیلان کرده‌اند.» (ابوالرجاء قمی ۱۳۸۹: ۶۴). محمدامین ریاحی در تعلیقات خود بر *مرصاد العباد* بعد از آوردن یک رباعی از کتاب *فردوس المرشديه* و یادآوری بیتی که در *روح‌الارواح* آمده، البته به نقل از *کشف‌الاسرار* می‌نویسد: «در *حدود العالم* (ص ۱۴۵) گلیم دیلمی ذکر شده و در ترجمه محاسن *اصفهان* (ص ۵۳) آنجا که تنوع کالاهای موجود در بازار اصفهان را می‌ستاید، از پشمینه‌ها و گلیم‌های گیلان نام می‌برد... این مقدمات کافی است که معلوم شود گلیم گیلان شهرتی داشته» (نجم‌الدین رازی ۱۳۷۹: ۶۴۰)

- **متن چاپی:** «هرگز دیده‌ای در آن صحرای عظیم، در آن تابستان گرم، وقت هاجره، هاجره کُلب الضَّبِّ یذیب دماغ الضَّبِّ در آن گرمایی که دماغ در سر بجوشاند و سنگ بپزند... آفتاب‌پرست همی چون آفتاب کله نور بزد ... دو دست در روی زند و دیده بر جمال خرشید گمارد هرچند شعاع آفتاب تیزتر، دیده او در آن جمال شده‌تر.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۹)

صورت صحیح «الضَّبِّ» (= عاشق، شیدا، و واله) است. این مثل را ثعالبی در کتاب‌های *الاعجاز و الایجاز* و کتاب *تحفه الوزراء* در توصیف گرما آورده و حرارت و سوزاندگی هوا را به حرارت آتش دل عاشق واله تشبیه است: «وجدت حراً يشبه قلب الصب و یذیب دماغ الضب» (ثعالبی ۱۹۹۹م: ۱۰۷؛ ثعالبی ۲۰۰۶: ۱۲۶). همچنین در تذکره حمدونیه این مطلب از قول ابن عمید قمی نقل شده است (ابن حمدون ۱۹۹۶م: ۴۱۴/۵). لازم به ذکر است که در نسخه‌ی اساس به جای «الصب»، «العقرب» آمده (سمعانی، بی‌تا: 6a) و مصحح از ذکر این اختلاف در بخش اختلاف نسخ امتناع کرده است.

- **متن چاپی:** «و هم آورده‌اند که آن درویش در بازار بغداد می‌رفت، دیده‌اش بر صورتی باجمال افتاد، دل از دست بداد... حیران و عطشان و عریان به زاویه‌ی آندهان باز رفت، دل در بر نه، و حاصل جز درد جگر نه.» (سمعانی ۱۳۸۹: ۳۱)

در نسخه‌های مرعشی (سمعانی، بی‌تا: 9b)، آستان قدس (سمعانی ۱۳۸۹: ۸۴۰ق: 12a) و مجلس (سمعانی ۱۳۵۶ق: 12a) این واژه غریوان است و معلوم نیست به چه دلیلی این عاشق نالان و غریوان در متن تصحیح شده لخت و عریان شده است.

- **متن چاپی:** «ید تشیح و اُخری منک تأسونی» (سمعانی ۱۳۸۹: ۱۶۴). اگرچه در تمامی نسخ تشیح آمده است، اما صورت صحیح آن تَشِیحٌ است. زیرا این مثل که در اکثر کتب امثال عرب آمده است مصراعی است از بیت زیر سروده‌ی صالح بن عبدالقدوس:

إِنِّي لِأَكْثَرُ مِمَّا سُمِّئْتَنِي عَجَبًا      يَدُ تَشِیحٍ وَأُخْرِي مِّنْكَ تَأْسُونِي  
(راغب اصفهانی ۲۰۰۴م: ۶۰۵/۱)

درباره‌ی این مثل گفته‌اند: «یضرب لمن یسیء و یحسن» و ابوهلال گفته است: «یقال للرجل اذا ضرَّ و نفع» (شمسی باشا ۲۰۰۲م: ۲۷۹۸/۳) و معنی آن این است که: «با یک دست سر می‌شکند و با دست دیگر دارو می‌کند» (حقیقت ۱۳۸۸: ۲۱۱).

### ۳. نتیجه‌گیری

پس از مقابله نسخه‌های پنج‌گانه مورد استفاده مایل هر وی با متن چاپ‌شده نتایج زیر به دست آمد:

الف: معلوم نیست به چه دلیلی مصحح روح‌الارواح ۲۵ صفحه نخست کتاب را به هیچ وجه با نسخه اساس (مرعشی نجفی) مقابله نکرده و بی‌جهت اختلاف‌هایی را با این نسخه ذکر کرده است. همچنین تمام شماره‌برگ‌های نسخه خطی تا این صفحه و بسیاری از صفحات دیگر اشتباه است. همچنین اختلاف‌های متن و نسخه اساس تا صفحه مذکور - که در بخش اختلاف نسخ آمده - به هیچ وجه با نسخه خطی همخوانی ندارد. اگر در مقاله حاضر به بیان تمام اختلاف‌های ریز و درشت این بخش می‌پرداختیم سخن به درازا می‌کشید، بنابراین تنها به بیان چند نمونه اکتفا کرده‌ایم.

ب: بسیاری از نسخه‌بدل‌های به دست داده شده پایه و اساسی ندارد و اصلاً چنین اختلاف‌هایی در نسخه‌ها نیست یا صورت اختلاف، متفاوت با مطلب ذکرشده در بخش اختلاف نسخه‌هاست. گاهی نیز ضبط چند نسخه با نسخه اساس اختلاف دارد ولی مصحح آن اختلاف‌ها را به یک نسخه نسبت داده است.

ج: مصحح در بسیاری از موارد، ضبط بلامرجح نسخه اساس را در متن گنجانده است و به ضبط راجح سایر نسخ یا بی‌توجه بوده و ذکری از آن به میان نیاورده یا آن را در نسخه‌بدل‌ها آورده است. عکس مطلب مذکور نیز در این تصحیح وجود دارد، یعنی مصحح، ضبط بلامرجح یک یا چند نسخه‌بدل را در متن گنجانده و به ضبط صحیح نسخه اساس بی‌توجه بوده است. اغلب در این موارد از اختلاف نسخه اساس با متن ذکری به میان نیامده است.

د: در بخش اختلاف نسخه‌ها گاهی به مواردی برمی‌خوریم که تکلیف خواننده با چگونگی نسخه‌بدل مشخص نیست. مثلاً مشخص نشده است این جمله، عبارت یا کلمه در فلان نسخه اضافه است یا اصلاً وجود ندارد، یا در آن نسخه به جای جمله، عبارت یا کلمه مشخص شده آمده است.

هـ: از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد پایبند نبودن مصحح به شیوه‌ای است که در مقدمه کتاب بیان کرده است، به ویژه نسبت به اشعار حاشیه نسخه آستان قدس که پیش‌تر به آن اشاره شد.



و: گاه مشاهده می‌شود که ضبط متن چاپی با تمام نسخه‌ها متفاوت است و اصلاً چنین ضبطی در هیچ یک از نسخه‌ها وجود ندارد.

ز: از ویژگی‌های اصلی روش تصحیح بینابین این است که مصحح باید با توجه به متون هم‌عرض و منابع مختلف، تصحیف‌ها، تحریف‌ها، بدخوانی‌ها و دخالت‌های بی‌وجه کاتب را در متن تشخیص دهد و با ذکر دلیل، آنها را اصلاح نماید، اما در این تصحیح بسیاری از تصحیف‌ها و تحریف‌های نسخ خطی در متن کتاب وجود دارد و مصحح متوجه آنها نشده است. در ضمن بسیاری از اغلاط مطبعی - که بدون مقابله با نسخ - امکان تشخیص صورت صحیح آن وجود ندارد بر مشکلات متن افزوده است.

## کتاب‌نامه

قرآن مجید.

ابن‌حمدون، محمدبن حسن بن محمدبن علی (۱۹۹۶م). التذکره الحمدونیه؛ تحقیق احسان عباس و بسکر عباس. بیروت: دار صادر.

ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین (۱۳۸۹)، ذیل نفثه المصدور؛ رونویسی حسین مدرسی طباطبایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

امرؤالقیس (۲۰۰۸م)، دیوان؛ اعتنی به و شرحه عبدالرحمن المصطاوی، بیروت: دارالمعرفه.

انوری، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ کنایات سخن؛ تهران: انتشارات سخن.

بهاء‌الدین بغدادی، محمدبن مؤید (۱۳۸۵)، التوسل الی التوسل؛ مقدمه و تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.

ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمدبن اسماعیل (۱۹۹۹)، الاعجاز و الایجاز؛ حقیقه و هذبه محمد ابراهیم سلیم، قاهره: مکتبه القرآن.

ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمدبن اسماعیل (۲۰۰۶م)، تحفه الوزراء؛ تحقیق علی الراوی و د. ابتسام مرهون الضار، بیروت: الدار العربیه للموسوعات.

حقیقت، حسین‌شاه (۱۳۸۸)، خزینه الامثال: ترجمه متنخب مجمع الامثال؛ به اهتمام احمد مجاهد، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، امثال و حکم؛ چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه؛ زیر نظر محمد معین، سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

- راغب الاصفهانی، ابی‌القاسم الحسین بن محمد بن محمد بن المفضل (۲۰۰۴م)، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء؛ تحقیق الدكتور ریاض عبدالحمید مراد، بیروت: دار صادر.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، کلیات سعدی؛ به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۴)، گلستان سعدی؛ تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.
- سمعانی، شهاب‌الدین احمد بن محمد بن منصور (۱۳۸۹)، روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتح؛ به تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سمعانی، شهاب‌الدین احمد بن محمد بن منصور (۸۴۰ق)، روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتح؛ ش: ۳۱۵۲، آستان قدس رضوی.
- سمعانی، شهاب‌الدین احمد بن محمد بن منصور (۸۵۶ق)، روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتح؛ ش: ۲۷۳۹، مجلس شورای اسلامی.
- سمعانی، شهاب‌الدین احمد بن محمد بن منصور (بی‌تا)، روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتح؛ ش: ۱۲۰۲، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- سمعی، احمد (۱۳۸۶)، «نکته‌هایی در باب تصحیح متون»، در مجموعه مقالات روش‌های تصحیح متون؛ به کوشش محمود نظری، تهران: دانشگاه تهران، صص ۱۷۹-۱۹۳.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۹۷)، حدیقه الحقیقه؛ تصحیح، مقدمه، تعلیقات و فهرست‌ها محمدجعفر یاحقی، سیدمهدی زرقانی، تهران: سخن.
- شمسی باشا، خیرالدین (۲۰۰۲م)، معجم الامثال العربیه؛ ریاض: فهرسه مکتبه الملك فهد الوطنیه.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۴)، «ضوابط تصحیح متن‌های کهن»، نامه بهارستان؛ سال ششم، شماره اول - دوم، تابستان و زمستان ۱۳۸۴-۵، دفتر ۱۱ و ۱۲، صص ۲۰۷-۲۱۰.
- عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، تذکره الاولیاء؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- قلانسی نسفی، عبدالله بن محمد بن ابی‌بکر (۱۳۸۵)، ارشاد در معرفت و وعظ و اخلاق؛ تصحیح، مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی، تهران: میراث مکتوب.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.

نقدی بر تصحیح کتاب روح‌الارواح ... (محمد مهدی معلمی و سیدعلی قاسم‌زاده) ۲۶۷

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۹۳)، مثنوی معنوی؛ آخرین تصحیح رینولد ا. نیکلسون،  
مقابلۀ مجدد با نسخه قونیه، تصحیح مجدد و ترجمۀ حسن لاهوتی، تهران: مرکز پژوهشی  
میراث مکتوب.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۷۶)، کشف‌الاسرار و عدۀ الابرار؛ به سعی و اهتمام علی‌اصغر  
حکمت، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.

نجم‌الدین رازی، ابوبکر بن محمد شاه‌اورین انوشیروان (۱۳۷۹)، مرصاد العباد؛ به اهتمام محمدامین  
ریاحی: چاپ هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

